

نقش کیفیت گزارشگری مالی در تغییر اعتماد به نفس بیش از اندازه مدیران و حق الزحمه حسابرسی

محسن رشیدی باغی^۱

تاریخ دریافت: ۹۷/۳/۳۱

تاریخ پذیرش: ۹۷/۹/۱۹

چکیده:

مشکلات نمایندگی در نتیجه تضاد منافع میان مدیران و سهامداران، ایجاد می‌شود. حسابرسی به عنوان راهکاری کارآمد برای محدود کردن اختیارات مدیران در روابط قراردادی محسوب می‌شود. در این مقاله، هدف بررسی نقش کیفیت گزارشگری مالی در تغییر اثر تعاملی بین اعتماد به نفس بیش از اندازه مدیران و حق الزحمه حسابرسی است. به همین منظور، داده‌های مربوط به شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای دوره زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ استخراج و از مدل رگرسیونی داده‌های ترکیبی برای آزمون فرضیه‌های تحقیق استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان‌دهنده تأیید فرضیه‌های اول، دوم و سوم می‌باشد. به عبارتی، نتایج تحقیق حاکی از آن است که اعتماد به نفس بیش از اندازه و کیفیت گزارشگری مالی منجر به تغییر حق الزحمه حسابرسی می‌شود. همچنین، نتایج فرضیه سوم بیانگر این است که در هنگام تغییر سطح کیفیت گزارشگری مالی، اعتماد به نفس نیز تغییر یافته و بر حق الزحمه حسابرسی تأثیرگذار است به نحوی که با تغییر سطح اثر تعاملی کیفیت گزارشگری مالی و اعتماد به نفس مدیران، حق الزحمه حسابرسی تحمیلی به شرکت نیز دچار نوسان و تغییر می‌شود.

واژه‌های کلیدی: اعتماد به نفس بیش از اندازه، حق الزحمه حسابرسی، کیفیت گزارشگری مالی

□ مقدمه

قیمت‌گذاری و رقابت بازار برای خدمات حسابرسی موضوعی بااهمیت برای قانون‌گذاران، محققان و سرمایه‌گذاران به شمار می‌آید (سنایت، ۱۹۷۷). های و نیکل (۲۰۱۰) مشاهده کردند که ماهیت حسابرسی به عنوان کالایی اعتباری، منجر به تحمیل هزینه و زمان بیشتر یا کمتر از حد در حسابرسی می‌شود. با افزایش تمرکز بازار خدمات حسابرسی و وقوع برخی ناتوانی‌های حسابرسی، مسئله کیفیت حسابرسی نیز مورد توجه قرار گرفت. کمیته‌های حسابرسی، افراد شاغل در حسابرسی و نیز بازار رقابتی، باعث ایجاد انگیزه نوآوری و خلاقیت در حسابرسی شده است. کمیسیون اروپا (۲۰۱۰) به این نتیجه رسید که بازار در برخی بخش‌ها کاملاً متمرکز بوده و توانایی تصمیم‌گیری صاحبکاران در ارتباط با انتخاب حسابرسان را سلب کرده است. بنابراین، قیمت‌گذاری و بررسی نوسانات خدمات حسابرسی در زمینه رقابت بازار این خدمات، به نظر بااهمیت می‌باشد.

تحقیقات پیشین بیان می‌کند که اعتماد به نفس بیش از اندازه مدیریت اثر مساعدی بر سیاست‌های راهبردی و کیفیت گزارشگری مالی دارد (برای نمونه جی، ماتسوموتو و ژانگ، ۲۰۱۱). دمیرجان و همکاران (۲۰۱۳) ارتباط مستقیم بین اعتماد به نفس بیش از اندازه مدیریت و کیفیت گزارشگری مالی را تأیید کردند و در همین راستا کریشانان و وانگ (۲۰۱۵) به این نتیجه رسیدند که اعتماد به نفس بیش از اندازه مدیریت به علت کاهش ریسک‌های حسابرسی و بهبود کیفیت گزارشگری مالی منجر به کاهش حق الزحمه حسابرسی می‌شود. مدیران توانمند امکان افزایش ثروت خود به هزینه سهامداران را دارند. مدیران توانمند به واسطه شناخت بیشتر نسبت به رویه‌های گزارشگری مالی، ضعف‌های کنترل داخلی و شناسایی فرصت‌های تقلب و به منظور بهبود انگیزه‌های پرداخت پاداش، اقدام به دستکاری شرایط دریافت تسهیلات (فرانک و اوبلاج، ۲۰۱۴) و فروش درون گروهی (وانگ، ۲۰۱۳) می‌کنند.

محیط اطلاعاتی که سرمایه‌گذاران در آن داد و ستد می‌کنند، پیوسته با انتشار (جریان) اطلاعات تغییر می‌یابد. این تغییر در جریان اطلاعات، منجر به تجدید ارزیابی ریسک توسط سرمایه‌گذاران می‌شود. ریسک اطلاعاتی ناشی از عوامل مختلفی است. آنچه بیش از پیش اهمیت می‌یابد، وجود محیط اطلاعاتی است که ابهام و عدم اطمینان را کاهش و در نتیجه توان پیش‌بینی و تحلیل سرمایه‌گذار را افزایش دهد. استفاده از اطلاعات مالی و حسابداری به منظور برقراری توازن بین ریسک و بازده، منجر به بهبود تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران و حسابرسان می‌شود. زیرا اغلب تصمیمات مالی در حالت عدم اطمینان اتخاذ می‌شود و کیفیت گزارشات مالی در این گونه موارد، نقش مهمی در کاهش عدم اطمینان خواهد داشت. آنچه میان تحقیقات، تقریباً رایج است، اطلاعات حسابداری به عنوان مهم‌ترین منبع محیط اطلاعاتی است که به عنوان یک سامانه انتقال اطلاعات و کاهش عدم اطمینان تعریف می‌شود که این همان رویکرد اطلاعاتی به حسابداری است. کیفیت گزارشات مالی به سرمایه‌گذاران این امکان را می‌دهد تا شرکت و نیز ریسک‌های ذاتی موجود در آن را ارزیابی کنند (آرمسترانگ، کور، تیلور و ورچیا، ۲۰۱۱). دریافت اطلاعات نامتقارن بدون وجود کیفیت لازم توسط فعالان بازار سرمایه و اعتباردهندگان منجر به افزایش هزینه سرمایه ناشی از گزینش نادرست و نیز

هزینه فرصت از دست رفته ناشی از سرمایه‌گذاری ناکارآمد می‌گردد. سرمایه‌گذاری ناکارآمد منجر به افزایش ریسک دستکاری فعالیت‌های مالی و عملیاتی شرکت می‌گردد که با توجه به مدل‌های برآورد ریسک، حق الزحمه حسابرسی افزایش می‌یابد.

در تحقیقات صورت گرفته از جمله حساس یگانه، حسنی القار و مرفوع (۱۳۹۴) به بررسی بیش اطمینانی مدیریت از جنبه ریسک سرمایه‌گذاری، منشأ آن و کارایی بازار سرمایه پرداخته‌اند و تاکید بر جنبه کارایی بازار می‌باشد و این در حالی است که در تحقیق حاضر به منظور جبران ضعف ناشی از ابهام در کارایی بازار سرمایه و مدل‌های آماری مبتنی بر کارایی بازار، با کوانتیل بندی روابط و اجرای مدل‌های کیفیت گزارشگری مالی در هر کوانتیل، بخشی از این ضعف پوشش داده شده است. از طرفی، برخلاف تحقیقات صورت گرفته با بررسی همزمان کیفیت گزارشگری مالی به هر دو جنبه ریسک اطلاعات و توزیع اطلاعات توجه شده است. در سایر تحقیقات داخلی از جمله داروغه و پهلوان (۱۳۹۱) به این نتیجه رسیدند که کیفیت گزارشگری مالی تأثیر معناداری بر حق الزحمه حسابرسی دارد. در تحقیقات مذکور به بررسی کیفیت گزارشگری مالی از جنبه بازار و کارایی بازار پرداخته و توجهی به عوامل مؤثر درون سازمانی و نیز محدودیت‌های موجود در بازار سرمایه نکرده‌اند. در این تحقیق با لحاظ کردن اعتماد به نفس بیش از اندازه و کارآمدی بازار در مدل‌های مورد بررسی، به منبع ریسک حسابرسی و محدودیت‌های بازار نیز توجه شده است.

در این پژوهش برخلاف پژوهش‌های پیشین (از جمله بنسسال، هولزمن و میلر، ۲۰۱۶) به دنبال بررسی شرایط و انگیزه‌های مدیریتی کسب منافع شخصی نبوده و به بررسی نقش کیفیت گزارشگری در تغییر رفتارهای فرصت طلبانه مدیران می‌پردازد. ضعف در کیفیت گزارشگری مالی که بیانگر ناتوانی شرکت در ایفای تعهدات می‌باشد، منجر به ایجاد انگیزه برای مدیران توانمند و سایر مدیران می‌شود. به علت مشکلات مالی در شرایط بحران، مدیران تشویق به انجام رفتارهای فرصت طلبانه جهت دستیابی به منافع شخصی، انتظارات بازار و حداکثرسازی پاداش در کوتاه مدت می‌شوند. حسابرسان بر خلاف افراد خارج از شرکت به اطلاعات درون سازمانی به منظور ارزیابی ریسک حسابرسی دسترسی دارند. حق الزحمه حسابرسی معیاری از فعالیت‌ها و رفتار مدیریت و اطلاعات درون سازمانی است که در شرایط بحران مالی به علت امکان وجود رفتارهای فرصت طلبانه مدیران و نیاز به افزایش حجم عملیات حسابرسی، افزایش می‌یابد (بیسلی و همکاران، ۲۰۱۰). در این شرایط به علت تغییر محسوس ریسک حسابرسی در نتیجه ایجاد انگیزه تقلب توسط مدیریت، خدمات حسابرسی با قیمت بالاتری ارائه می‌گردد (فرانک و اوبلاج، ۲۰۱۴).

هدف نهایی پاسخگویی به سؤالاتی از قبیل این موارد می‌باشد که، آیا تغییرات رفتاری مدیریت، مدل حق الزحمه حسابرسی را به طور کامل توضیح می‌دهد؟ چرا به نظر می‌رسد در شرایط کیفیت گزارشگری مالی بالاتر، حق الزحمه حسابرسی معمولاً کمتر و نه بیشتر، تعیین می‌شوند؟ چرا حق الزحمه حسابرسی با ترکیب کیفیت گزارشگری مالی و اعتماد به نفس بیش از اندازه مدیریت، روند نزولی به خود می‌گیرد؟

در ادامه تحقیق ابتدا، مبانی نظری و پیشینه تحقیقات انجام شده، فرضیه‌ها و سپس، مدل‌ها و

روش‌های تحقیق و در نهایت نتیجه‌گیری و پیشنهادها ارائه می‌شود.

□ پیشینه پژوهش

پیشینه نظری

اعتماد به نفس بیش از اندازه و حق الزحمه حسابرسی

ادبیات روانشناسی سه عامل را برای اعتماد به نفس بیش از اندازه معرفی و ارائه کرده است که شامل تصور کنترل، درجه بالای خوش بینی نسبت به پیامدهای مساعد و خصوصیات انتزاعی است که مقایسه عملکرد بین افراد را مشکل می‌سازد (مور و هیلی، ۲۰۰۸). عوامل مطرح شده با تصمیم‌گیری سازمانی در ارتباط می‌باشند. اعتماد بیش از اندازه تصمیم‌گیری در ارتباط با تأسیس واحدهای تجاری، ورود به بازارهای جدید، معرفی محصول جدید و یا تحصیل سایر واحدهای تجاری را تسهیل می‌کند (دیوید، گراهام و هارو، ۲۰۱۳). اعتماد به نفس بیش از اندازه به دلیل خوش بینی و غیرمحمتمل دانستن شکست، می‌تواند منجر به تقویت تعهد مدیریتی شده (انگلمایر، ۲۰۱۱) و بنابراین، اعتبار مدیر را به عنوان رهبر واحد تجاری افزایش دهد (بولتون، برنرمر و ودکمپ، ۲۰۱۳).

موفقیت در محیط تجاری مستلزم تمایل به پیگیری فرصت‌های شناسایی نشده است (مارک، ۱۹۹۱) اما، مدیران اغلب تمایلی به پیگیری و شناسایی این فرصت‌ها ندارند. با این حال، طرح‌های انگیزشی را می‌توان جهت تشویق مدیران به ریسک‌پذیری بکار گرفت (آرمسترانگ و همکاران، ۲۰۱۱) ولی تمایل به اتخاذ تصمیمات اساسی غالباً توسط انگیزه‌های ذاتی و درونی محدود می‌شود و انگیزه‌های مالی نقش کم اهمیت‌تری را ایفا می‌کنند (مارک و شاپیرا، ۱۹۸۷). اعتماد به نفس بیش از اندازه منبعی بااهمیت از چنین انگیزه‌های درونی بوده و بیانگر این است که مدیران با اعتماد به نفس بیش از اندازه تمایل بیشتری به اجرای پروژه‌های نوآورانه‌ای دارند که احتمال بالقوه سودآوری دارند (هیرشلیفر، لاو و تئو، ۲۰۱۲). با این وجود، به منظور دستیابی به موفقیت فقط اجرای پروژه‌های سرمایه‌گذاری جسورانه کفایت نمی‌کند زیرا تنها درصد پایینی از این سرمایه‌گذاری‌ها منجر به دستیابی به نتایج پیش‌بینی شده می‌شود و تداوم به روز رسانی دانش مدیریت نسبت به طرح سرمایه‌گذاری در تمامی مراحل اجرایی پروژه و انعطاف‌پذیری به منظور انجام تغییرات لازم در مراحل مختلف اجرا می‌تواند دستیابی به هدف را ممکن سازد (لی، ۲۰۱۰).

ادبیات مربوط به تجزیه و تحلیل اقتصادی و تصمیم‌گیری، ماهیت پروژه‌های عمده سرمایه‌گذاری را با تأکید بر تصمیمات اتخاذ شده در مراحل میانی پروژه، تشریح و شناسایی کرده است زیرا، چالش‌ها و فرصت‌هایی که در پایان هر مرحله رخ می‌دهد با مرحله قبلی وابستگی داشته و بنابراین نمی‌توان از قبل آن‌ها را پیش‌بینی کرد. اطلاعاتی که در هر مرحله از پروژه به دست می‌آید جهت اصلاح مراحل بعدی به کار رفته و بازخوردهای ناشی از آن برای موفقیت نهایی، ضروری می‌باشد (کاسیس، مارتروکاس و تریگنورگیس، ۲۰۰۷). در حقیقت حتی تجربه‌های منجر به شکست نیز اطلاعات ارزشمندی در اختیار واحد تجاری قرار می‌دهند (آستین، ۲۰۰۴) زیرا یادگیری ناشی از اجرا برای دستیابی به سودآوری بلندمدت در بازار رقابتی از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد (اریکسون و

پاکس، ۱۹۹۵) و یادگیری ناشی از شکست اثربخشی بالاتری دارد (مادسن و دسای، ۲۰۱۰). مشکل زمانی ایجاد می‌شود که مدیران به موفقیت و شکست‌ها پاسخ نامتقارن می‌دهند. مدیران تمایل به تفسیر و ارائه موفقیت‌ها در مراحل میانی پروژه به عنوان تاییدی برای بهینه بودن طرح اصلی سرمایه گذاری و رویکرد انتخابی دارند ولی بازخوردهای منفی را به تأخیر انداخته و اطلاعات نامساعد را افشا نمی‌کنند (مور و کائن، ۲۰۰۷). در این شرایط عملیات حسابرسی با پیچیدگی‌های خاصی مواجه می‌شود به نحوی که در شرایط مطلوب، به علت گستردگی عملیات و ورود مدیریت به حوزه‌های جدید، حجم کار حسابرسی افزایش می‌یابد و در شرایط نامساعد به علت پنهان سازی و تعویق اخبار بد به دوره‌های آتی، ریسک عدم کشف حسابرسی افزایش می‌یابد که در هر دو حالت، منجر به تغییر افزایشی حق الزحمه حسابرسی می‌گردد (گال و همکاران، ۲۰۱۸).

کیفیت گزارشگری مالی و حق الزحمه حسابرسی

کیفیت گزارشگری مالی و کیفیت حسابرسی دارای مفاهیم متفاوتی هستند به نحوی که کیفیت گزارشگری مالی دامنه‌ای را شامل می‌شود که در آن صورت‌های مالی بیانگر وضعیت اقتصادی شرکت است و کیفیت حسابرسی سطح اطمینانی را فراهم می‌کند که حسابرس شواهد کافی و مناسب نسبت به ارائه منصفانه صورت‌های مالی را کسب کرده باشد. صورت‌های مالی مهم‌ترین منبع اطلاعاتی برون سازمانی‌ها است. بسیاری از تحقیقات به اهمیت اساسی اطلاعات حسابداری مالی با کیفیت بالا برای تقویت بازار سرمایه اثربخش اشاره داشته‌اند (برسفورد، ۱۹۹۷). لمبرت، لیوز و ورچیا (۲۰۰۷) اثبات کردند که کیفیت اطلاعات حسابداری می‌تواند هزینه سرمایه را هم مستقیم و هم غیرمستقیم تحت تأثیر قرار دهد. آن‌ها گزارش‌های حسابداری شرکت را به عنوان اطلاعاتی درباره جریان‌های نقد آتی در نظر گرفتند، که به خوبی رفتار واقعی گزارشگری را نشان می‌دهد. کیفیت گزارش‌های مالی منتشره شده، اطلاعاتی را فراهم می‌سازد که به معامله‌گران خاص این امکان را می‌دهد تا قضاوت‌هایی درباره عملکرد شرکت داشته باشند که این قضاوت‌ها، بر قضاوت‌های سایر معامله‌گران برتر است. در حقیقت این سرمایه‌گذاران اطلاعات عمومی را در اطلاعات خصوصی پردازش می‌کنند، طوری که بتوانند برای کسب سودهای معاملاتی دادوستد کنند. این دادوستد ایجاد شده از طریق اطلاعات خصوصی موجب می‌شود اختلاف بین قیمت‌های خرید و فروش به عنوان یک معیار برای مصونیت از زیان‌های مورد انتظار در دادوستد با این سرمایه‌گذاران مطلع، بیشتر شود.

از طرفی با کاهش کیفیت گزارش‌های مالی که شامل اطلاعات تعهدی است، سرمایه‌گذاران پایداری در اقلام تعهدی را کمتر برآورد می‌کنند و در نتیجه منجر به قیمت‌گذاری نادرست سهام می‌شود (واسن و جف، ۲۰۱۰). بنابراین، اگر سرمایه‌گذاران در پردازش اطلاعات مربوط به گزارشگری مالی با محدودیت مواجه شوند، کیفیت پایین می‌تواند عدم تقارن اطلاعاتی میان اشخاص را تحت تأثیر قرار دهد. بتچریا و همکاران (۲۰۱۳) عنوان می‌کنند که کیفیت گزارشگری مالی ضعیف، با عدم تقارن اطلاعاتی بالاتر در بازارهای سرمایه ارتباط دارد. این شرکت‌ها احتمالاً دارای مشخصه‌هایی

همچون رقابت ناقص میان سرمایه‌گذاران هستند که در آن سرمایه‌گذاران خبره احتمال می‌رود مزیت اطلاعاتی بیشتری نسبت به معامله‌گران دارای انگیزه نقد شونده باشند. گال و همکاران (۲۰۱۸) در این حوزه نشان می‌دهد که رابطه بین کیفیت گزارشگری مالی و عدم تقارن اطلاعاتی، با محیط اطلاعاتی شرکت مرتبط است و کیفیت ضعیف بویژه برای شرکت‌های کوچک‌تر پر هزینه‌تر است. عدم تقارن اطلاعاتی بالاتر، پرهزینه‌تر است زیرا ریسک گزینش نادرست را برای سرمایه‌گذاران افزایش و نقدشوندگی را کاهش می‌دهد.

در ادبیات اقتصادی، زمانی که کیفیت قابل مشاهده نباشد، قیمت به عنوان معیاری برای کیفیت در نظر گرفته می‌شود (شاپیرو، ۱۹۸۳). در این شرایط هزینه‌ها تابعی از حجم کار، دقت در ارائه و پیامدهای آتی خدمات ارائه شده می‌باشد. حساب‌رسان به منظور افزایش کیفیت و کاهش پیامدهای اقتصادی و اجتماعی گزارش‌های منتشر شده توسط آن‌ها، با کنترل حجم و ماهیت رسیدگی‌ها اقدام به قیمت گذاری خدمات حسابرسی می‌نمایند. کیفیت منجر به تغییر در حق الزحمه حسابرسی مؤسسات می‌گردد به نحوی که مؤسسات حسابرسی به منظور حفظ شهرت از انگیزه بالایی برای ارائه گزارش‌های دقیق و مناسب برخوردار هستند که متعاقباً هزینه حسابرسی نیز افزایش می‌یابد (چوی و همکاران، ۲۰۱۰).

در شرایطی که کیفیت اطلاعات ارائه شده توسط شرکت‌ها در نتیجه کاربرد بیش از اندازه اقلام تعهدی در بازارهای معاملاتی ضعیف باشد، ریسک افزایش هزینه سرمایه و گزینش نادرست محتمل می‌شود که در مقابل ریسک عدم کشف حسابرسی و از بین رفتن اعتبار مؤسسات حسابرسی افزایش می‌یابد. در این شرایط حساب‌رسان به منظور ایجاد صرف ریسک و کاهش خطرات ناشی از دعاوی حقوقی اقدام به افزایش دامنه رسیدگی‌ها و تغییر سطح ریسک در سطح حساب می‌کند که در نتیجه افزایش هزینه‌های ثابت و دوره رسیدگی، حق الزحمه درخواستی نیز افزایش می‌یابد (گال و همکاران، ۲۰۱۸).

اثر تعاملی کیفیت گزارشگری مالی و اعتماد به نفس بیش از اندازه بر حق الزحمه حسابرسی رویکرد عقلایی سرمایه‌گذاری منجر به اجتناب مدیران از سرمایه‌گذاری در پروژه‌های سودآور ریسکی شده و با علامت دهی انحرافات از انتظارات سرمایه‌گذاران، منجر به واکنش‌های اصلاحی توسط سهامداران می‌شود اما، اعتماد به نفس بیش از اندازه به علت انحراف از واقعیت، منجر به تضعیف این اثرات می‌گردد. اثرات مشترک اعتماد به نفس بیش از اندازه مدیران (تشویق به بررسی و اکتشاف) و کیفیت اطلاعات در حسابداری در محیط‌های دارای عدم اطمینان معنادار تر است چرا که در این شرایط تصمیمات باید به سرعت اتخاذ شده و توان شناسایی مسائل و مشکلات به شیوه‌ای زمانمند، نقش با اهمیتی را ایفا می‌کند. زمانی که سهامداران واحد تجاری نسبت به اخبار بد میان دوره‌ای آگاهی یابند، امکان به تأخیر انداختن واکنش و پنهان سازی عواقب ناشی از عدم کارایی مدیریت، غیرممکن خواهد شد. کاسیس و همکاران (۲۰۰۷) نشان دادند که با محدود شدن زمان مورد نیاز برای واکنش و اصلاح، ارزش اقدامات اصلاحی افزایش می‌یابد. به عبارتی، با افزایش شفافیت و کیفیت اطلاعاتی احتمال شناسایی خطاها و انحرافات ناشی از رویکرد خوش‌بینانه مدیران

افزایش یافته، و با اطلاع رسانی انحرافات، سهامداران را در پاسخگویی به انحرافات پویاتر ساخته و امکان کنترل رفتارهای مدیران افزایش می‌یابد. در این شرایط با توجه به اقدامات کنترل و نظارتی صورت پذیرفته از جانب سهامداران، ریسک‌های کنترلی و عدم کشف کاهش یافته و متناسب با آن حق الزحمه حسابرسی کاهش می‌یابد.

سهامداران با توجه به عدم مشارکت مستقیم در عملیات واحد تجاری و عدم تمایل به تحمل زیان‌های بلندمدت، نسبت به مدیران از خوش بینی کمتری برخوردار بوده و انحرافات ایجاد شده در انتظارات سرمایه گذاری را با حساسیت بالاتری پیگیری می‌کنند. کیفیت گزارشگری مالی منجر به شناسایی و اعلام اخبار بد به سهامداران شده و مانع از تداوم اعتماد به نفس بیش از اندازه مدیران و خوش بینی آن‌ها شده و امکان ارائه راه حل و کاهش هزینه را فراهم می‌آورد (هسو، نووسلوف و وانگف ۲۰۱۷).

واحد تجاری به منظور بهره مندی از دانش کسب شده در نتیجه بررسی و اکتشاف، سرمایه‌گذاری صورت پذیرفته را اصلاح و یا تغییر می‌دهد که ممکن است به شکل تغییر فرآیند تولید و یا ارائه محصول و خدمات جدید نمود پیدا کند. به عبارتی، مدیران و سهامداران به منظور حفظ ریسک سرمایه‌گذاری در سطحی مشخص، اقدام به افزایش و بهبود راهکارهای نظارتی نموده و نتایج حاصل از تصمیمات مدیران را در دوره‌های زمانی مختلف بررسی و کنترل می‌نمایند که در نتیجه آن احتمال ایجاد هزینه‌های ناشی از فرصت از دست رفته و خوش بینی مدیران به حداقل ممکن کاهش می‌یابد (شایتی، ۲۰۱۳). در این شرایط با کاهش ریسک‌ها و حجم عملیات حسابرسی انتظار بر کاهش حق الزحمه حسابرسی وجود دارد.

□ پیشینه تجربی

مهربان پور جندقی قمی و رجب بیکی (۱۳۹۷) در پژوهش خود به بررسی اثر سرمایه اجتماعی صاحبکار بر حق الزحمه حسابرسی پرداختند. سرمایه اجتماعی در مطالعه صورت گرفته شامل شاخص‌های شناختی (دین‌داری، ارزش‌های خانوادگی، جمع‌گرایی) و ساختاری (رابطه با سایر شرکت‌ها و رابطه با دولت) است. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که سرمایه اجتماعی نشأت گرفته از دین‌داری، جمع‌گرایی و رابطه با سایر شرکت‌ها، بر حق الزحمه حسابرسی اثر منفی و معناداری می‌گذارد. با وجود این، برای سایر شاخص‌های سرمایه اجتماعی، یعنی ارزش‌های خانوادگی و رابطه با دولت، اثر معناداری مشاهده نشد. سرمایه اجتماعی با آفرینش اعتماد، گرایش به همکاری و شکل‌دهی اقدامات جمعی برای دستیابی به هم‌افزایی‌های اقتصادی و اجتماعی، موجب نیل به رفتارهای اقتصادی به‌سوی اهداف و منافع جمعی و اجتناب از رفتارهای فرصت‌طلبانه در کسب‌وکار شده و این مسئله به‌طور معناداری به کاهش حق الزحمه حسابرسی می‌انجامد.

حسنى القار و رحيميان (۱۳۹۷) با بررسی تأثیر بیش‌اطمينانی مدیریت در ساختار سررسید بدهی به این نتیجه رسیدند که بیش‌اطمينانی مدیریت، تأثیر مثبت معناداری در ساختار سررسید بدهی دارد و شرکت‌های با مدیران بیش‌اطمينان، با انتخاب درصد بیشتری از بدهی کوتاه‌مدت، ساختار

سررسید بدهی کوتاه‌تری اتخاذ می‌کنند و ریسک نقدشوندگی مربوط به این سیاست تأمین مالی، آنان را از این رفتار باز نمی‌دارد.

خدادادی ویسی و چراغی نیا (۱۳۹۶) با بررسی رابطه بین تمرکز مشتری و حق الزحمه حسابداری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران نشان دادند که تمرکز مشتری ارتباط منفی و معناداری با حق الزحمه حسابداری دارد. می‌توان بیان کرد که تمرکز مشتری باعث افزایش هماهنگی تولید، مدیریت بهتر موجودی‌ها و ارتقا تسهیم اطلاعات در طول زنجیره تأمین می‌شود. بر این اساس، شرکت‌هایی که مشتریان متمرکز دارند، به منافعی دست می‌یابند که حاصل تلاش‌های مشترک بازاریابی و تبلیغات است و در نهایت به صورت کاهش مؤثر هزینه‌های فروش نمود پیدا می‌کند که این عوامل سبب کاهش ریسک حسابداری می‌شود؛ در نتیجه حق الزحمه درخواستی حسابرسان نیز کاهش خواهد یافت.

سجادی و زارعی (۱۳۸۴) تأثیر ویژگی‌های موسسه حسابداری و صاحبکار را بر حق الزحمه حسابداری بررسی کردند. نتایج این پژوهش نشان داد که تخصص صنعتی موسسه حسابداری بر حق الزحمه حسابداری تأثیر دارد. زیرا، حسابرسان متخصص، عملیات حسابداری را در زمان کمتر و با اطمینان بیشتری انجام می‌دهند. بنابراین، کیفیت حسابداری این دسته از مؤسسه‌ها بیشتر از دیگر مؤسسه‌های حسابداری است.

واعظ، رمضان احمدی و رشیدی باغی (۱۳۹۲) در تحقیقی به بررسی ارتباط بین کیفیت حسابداری و حق الزحمه حسابداری در شرکت‌های بورسی پرداختند. نتایج حاصل از تحقیقات آن‌ها نشان داد که ارتباط بین معیارهای کیفیت حسابداری (اندازه، تخصص و تداوم انتخاب موسسه حسابداری) با حق الزحمه حسابداری معنادار می‌باشد. همچنین، آن‌ها در تحقیق خود نشان دادند که با افزایش تداوم انتخاب حسابرسان، حق الزحمه حسابداری نیز افزایش می‌یابد.

حساس یگانه، حسنی القار و مرفوع (۱۳۹۴) با بررسی بیش اطمینانی مدیریت و حق الزحمه حسابداری به این نتیجه رسیدند که اعتماد بیش از حد به خود می‌تواند اعتقاد بی‌اساس درباره توانایی‌های شناختی، قضاوت‌ها و استدلال شهودی فرد تعریف شود. بیش اطمینانی یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های شخصیتی مدیران است که بر ریسک‌پذیری تأثیر می‌گذارد. چنانچه حسابرسان این ویژگی شخصیتی مدیران را تشخیص دهد و ریسک گزارشگری مالی را به دلیل بیش اطمینانی مدیران، بیش از حد برآورد کند، می‌تواند حق الزحمه بیشتری مطالبه کند و اقدام‌هایش را به‌منظور کاهش ریسک عدم کشف کامل کند. همچنین، چون مدیران بیش اطمینان به فرایند گزارشگری مالی شرکت اطمینان دارند، تلاش می‌کنند از طریق مذاکره، دامنه رسیدگی‌های حسابداری را کم کنند و حق الزحمه کمتری پرداخت کنند.

کاسیس، مارتوکاس و تریجورجیس (۲۰۰۷) نشان دادند که با محدود شدن زمان مورد نیاز برای واکنش و اصلاح، ارزش اقدامات اصلاحی افزایش می‌یابد. به عبارتی، با افزایش محدودیت تأمین مالی احتمال شناسایی خطاها و انحرافات ناشی از رویکرد خوش‌بینانه مدیران افزایش یافته، و با اطلاع رسانی انحرافات، سهامداران را در پاسخگویی به انحرافات پویاتر ساخته و امکان کنترل رفتارهای مدیران افزایش می‌یابد. در این شرایط با توجه به اقدامات کنترل و نظارتی صورت پذیرفته از جانب

سهامداران، ریسک‌های کنترلی و عدم کشف کاهش یافته و متناسب با آن حق الزحمه حسابداری کاهش می‌یابد.

چوی، کیم و ژانگ (۲۰۱۰) ارتباط مستقیم بین اندازه موسسه حسابداری و حق الزحمه حسابداری را اثبات کردند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که تفاوت‌های کیفی در بین مؤسسات بزرگ حسابداری نسبت به مؤسسات کوچک‌تر باعث تغییر در حق الزحمه حسابداری در بازارهای رقابتی می‌شود. آستانا و بونی (۲۰۱۲) به این نتیجه رسیدند که تغییر حسابرس باعث کاهش حق الزحمه حسابداری می‌شود. مؤسسات حسابداری برای پذیرش کار با صاحبکار جدید حق الزحمه حسابداری را کاهش می‌دهند، تا بتوانند کار جدید را به دست بیاورند. و یا به خاطر ساختار بازار در رابطه با حق الزحمه حسابداری می‌باشد.

بنسال، هولزمن و میلر (۲۰۱۶) تأثیر توانایی مدیریت بر ارزیابی ریسک اعتباری شرکت را در دوره سالهای ۱۹۹۴ تا ۲۰۱۴ بررسی کردند. نتایج تحقیق آنان نشان داد توانایی‌های مدیریت به عنوان یک عامل اصلی در ارزیابی ریسک اعتباری شرکت بوده و در موفقیت و شکست‌های آتی شرکت نقش بسزایی دارد.

با توجه به مبانی نظری و پیشینه تحقیقات انجام شده و با توجه به این که هدف این تحقیق، بررسی محدودیت تأمین مالی و ارتباط بین اعتماد به نفس بیش از اندازه و حق الزحمه حسابداری است، فرضیه‌های تحقیق به شرح زیر می‌باشد:

فرضیه اول: اعتماد به نفس بیش از اندازه مدیران به صورت معناداری منجر به تغییر حق الزحمه‌های حسابداری می‌شود.

فرضیه دوم: کیفیت گزارشگری مالی به صورت معناداری منجر به تغییر حق الزحمه‌های حسابداری می‌شود.

فرضیه سوم: کیفیت گزارشگری مالی، منجر به تفاوت در حق الزحمه حسابداری بین شرکت‌های دارای اعتماد به نفس بالا با شرکت‌های دارای اعتماد به نفس پایین می‌شود.

□ روش پژوهش

تحقیق حاضر بر اساس هدف، از نوع توصیفی و بر اساس ماهیت و روش از نوع همبستگی است. با توجه به اینکه این تحقیق می‌تواند در فرآیند تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران مورد استفاده قرار گیرد، نوع تحقیق کاربردی محسوب می‌شود. در اجرای طرح تحقیق توصیفی، محقق متغیرها را دستکاری نمی‌کند یا برای وقوع رویدادها شرایطی را به وجود نمی‌آورد. بر اساس این طبقه‌بندی به دلیل این که هیچ یک از متغیرهای تحقیق دستکاری نشده‌اند و به توصیف اطلاعات گردآوری شده بسنده می‌شود، روش تحقیق توصیفی است. تحقیقات همبستگی شامل پژوهش‌هایی است که در آن‌ها سعی می‌شود رابطه بین متغیرهای مختلف با استفاده از ضریب همبستگی، کشف یا تعیین شود. در تحقیق همبستگی، هدف اصلی مشخص کردن رابطه بین دو یا چند متغیر، اندازه و مقدار آن رابطه است.

در این پژوهش برای گردآوری داده‌ها و اطلاعات، ابتدا از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است. در روش کتابخانه‌ای، مبانی نظری پژوهش، از کتب و مجلات تخصصی فارسی و لاتین گردآوری می‌شود. سپس، برای گردآوری داده‌های پژوهش حاضر از لوح‌های فشرده آرشیو تصویری و آماری سازمان بورس اوراق بهادار تهران، سایت رسمی شرکت بورس اوراق بهادار تهران و دیگر پایگاه‌های اینترنتی مرتبط، استفاده شده است.

□ مدل و متغیرهای پژوهش

مدل تحقیق

این تحقیق به دنبال بررسی نقش کیفیت گزارشگری مالی در تغییر اثر تعاملی بین اعتماد به نفس بیش از اندازه مدیران و حق الزحمه حسابرسی است. بدین منظور از مدل‌های زیر برای بررسی فرضیه‌ها و نیز برای برآورد حق الزحمه مورد انتظار هر شرکت از مدل حق الزحمه استاندارد استفاده شده است. استفاده از این مدل امکان برآورد دقیق هزینه حق الزحمه حسابرسی را فراهم می‌کند. حق الزحمه حسابرسی تابعی از متغیرهای زیر می‌باشد (هویتاش، آریل و چارلز، ۲۰۰۷؛ ویلرس، هایب و ژانگ، ۲۰۱۴):

(۱) مدل

$$LAF_{it} = \beta_0 + \beta_1 LTA_{it} + \beta_2 CATA_{it} + \beta_3 QUICK_{it} + \beta_4 DE_{it} + \beta_5 RPI_{it} + \beta_6 LOSS_{it} + \varepsilon$$

(۲) مدل

$$EAF_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 OC_{it} + \alpha_2 FRQ_{it} + \alpha_3 LTA_{it} + \alpha_4 CATA_{it} + \alpha_5 ROA_{it} + \alpha_6 RETVOL_{it} + \alpha_7 LOSS_{it} + \alpha_8 MTB_{it} + \alpha_9 LEV_{it} + \varepsilon$$

در مدل‌های مذکور:

AF حق الزحمه حسابرسی؛ EAF حق الزحمه حسابرسی برآوردی؛ OC اعتماد به نفس بیش از اندازه مدیران؛ LTA مجموع دارایی‌ها؛ CATA نسبت دارایی‌های جاری؛ QUICK نسبت دارایی جاری به بدهی جاری؛ DE نسبت بدهی بلند مدت به مجموع دارایی‌ها؛ FRQ کیفیت گزارشگری مالی؛ CATA نسبت دارایی‌های جاری؛ LEV اهرم مالی؛ ROA بازده دارایی‌ها؛ MTB نسبت ارزش بازار به دفتری؛ RETVOL نوسان بازده؛ ROI نسبت سود قبل از بهره و مالیات به مجموع دارایی‌ها و LOSS زیان شرکت را نشان می‌دهد.

برای آزمون فرضیه سوم و الگوسازی روابط مربوطه، مراحل زیر طی می‌شود:

(۱) شرکت‌ها به پنج کوانتیل بر اساس شاخص سطح کیفیت گزارشگری مالی دسته بندی می‌شوند. انتظار می‌رود که کوانتیل دارای کمترین (بیشترین) ارزش شاخص، دارای کیفیت گزارشگری مالی

ناقص (نسبتاً کامل) باشد.

۲) سپس شرکت‌ها بر اساس شاخص درجه اعتماد به نفس به پنج کوانتیل دسته‌بندی می‌شوند. هر چند به سختی می‌توان سطح اعتماد به نفس را مستقیماً مشاهده کرد، لکن انتظار می‌رود کوانتیل دارای کمترین (بیشترین) ارزش شاخص دارای کمترین (بیشترین) اعتماد به نفس باشد. در کوانتیلی که به کیفیت گزارشگری مالی بالا نزدیک تر است، پیش بینی می‌شود شرکت‌های دارای مدیران با اعتماد به نفس نسبتاً پایین، دارای حق الزحمه کمتری نسبت به شرکت‌های دارای اعتماد به نفس بالا باشند. در کوانتیلی که به کیفیت گزارشگری مالی ناقص نزدیک تر است، پیش بینی می‌شود که شرکت‌های دارای مدیران با درجه نسبتاً بالای اعتماد به نفس، متحمل حق الزحمه حسابرسی بالاتری شوند. جدول زیر کوانتیل بندی را نشان می‌دهد.

بر حسب کیفیت گزارشگری مالی						
ناقص (Q_{50})	Q_{40}	Q_{30}	Q_{20}	کامل (Q_{10})		
Q_{51}	Q_{41}	Q_{31}	Q_{21}	Q_{11}	پایین ($Q_{.1}$)	بر حسب شاخص اعتماد به نفس
Q_{52}	Q_{42}	Q_{32}	Q_{22}	Q_{12}	Q_{02}	
Q_{53}	Q_{43}	Q_{33}	Q_{23}	Q_{13}	Q_{03}	
Q_{54}	Q_{44}	Q_{34}	Q_{24}	Q_{14}	Q_{04}	
Q_{55}	Q_{45}	Q_{35}	Q_{25}	Q_{15}	بالا (Q_{05})	

۳) بعد از آنکه شرکت‌ها به ۲۵ پرتفوی (5×5) در هر سال مرتب شدند، برای هر کوانتیل، حق الزحمه حسابرسی برآورد می‌شود. به عبارت دیگر برای هر کوانتیل رگرسیون سری‌های زمانی برآورد می‌شود.

۴) متغیر مورد نظر در اینجا، جزء ثابت است. اگر به طور معناداری بیشتر از صفر باشد، شرکت‌های دارای کیفیت گزارشگری مالی بالا، حق الزحمه حسابرسی کمتری را نسبت به شرکت‌های با کیفیت گزارشگری مالی پایین پرداخت خواهند کرد.

۵) در این مرحله، معناداری جز ثابت در سطح ۵٪ با استفاده از آماره t مورد آزمون قرار می‌گیرد.

متغیرهای این پژوهش شامل دو دسته متغیرهای وابسته و مستقل به شرح زیر می‌باشد:

متغیر وابسته

حق الزحمه حسابرسی (LAF): در این تحقیق متغیر وابسته حق الزحمه حسابرسی است که برای محاسبه آن از لگاریتم طبیعی حق الزحمه حسابرسی استفاده شده است (هویتاش، آریل و چارلز، ۲۰۰۷). اطلاعات مربوط به حق الزحمه حسابرسی از یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی

بخش هزینه‌های اداری و عمومی و معین سایر هزینه‌ها استخراج شده است. برای برآورد حق الزحمه حسابرسی از مدل ۱ تحقیق استفاده شده است (ویلرس، هایب و ژانگ، ۲۰۱۴).

متغیرهای مستقل

در این تحقیق متغیرهای مستقل، به شرح زیر می‌باشند:
 اعتماد به نفس بیش از اندازه مدیریت (OC): در پژوهش حاضر، به پیروی از نصیرزاده، عباس زاده و ذوالفقار (۱۳۹۶) به منظور اندازه گیری اعتماد به نفس بیش از اندازه مدیران اختلاف سود فصلی پیش‌بینی شده هر سهم با سود واقعی آن محاسبه می‌شود. چنانچه در یک سال تعداد سود پیش‌بینی شده از سود واقعی بیشتر است، عدد یک خواهد گرفت که در این صورت مدیر دارای اعتماد به نفس بیش از اندازه است و در غیر این صورت عدد صفر را می‌پذیرد.
 کیفیت گزارشگری مالی (FRQ): در این تحقیق برای ارزیابی کیفیت گزارشگری مالی از مدل فرانسیس و همکاران (۲۰۰۵)، به شرح زیر استفاده شده است:

$$TCA_{j,t} = \alpha_0 + \alpha_1 CFO_{j,t-1} + \alpha_2 CFO_{j,t} + \alpha_3 CFO_{j,t+1} + \alpha_4 \Delta REV_{j,t} + \alpha_5 PPE_{j,t} + \epsilon_{j,t}$$

که در آن، TCA کل اقلام تعهدی شرکت j در سال t ؛ CFO جریان وجه نقد حاصل از عملیات شرکت؛ ΔREV تغییر در درآمد فروش شرکت و EPP خالص دارایی‌های ثابت مشهود است. مدل فوق برای هر سال - صنعت برآورد و عکس انحراف استاندارد ۳ ساله جز خطا به عنوان متغیر کیفیت اطلاعات حسابداری در نظر گرفته می‌شود.

متغیرهای کنترلی

اندازه شرکت (LTA): برابر با لگاریتم طبیعی مجموع دارایی‌های شرکت می‌باشد.
 نسبت جاری (CATA): برابر با نسبت دارایی‌های جاری به مجموع دارایی‌ها می‌باشد.
 نسبت آنی (QUICK): برابر با نسبت دارایی‌های جاری (به استثنای موجودی کالا) به بدهی‌های جاری شرکت می‌باشد.
 بدهی بلندمدت (DE): برابر با نسبت بدهی بلندمدت به مجموع دارایی‌ها می‌باشد.
 بازده دارایی‌ها (ROA): برابر با نسبت سود قبل از بهره و مالیات به مجموع دارایی‌ها می‌باشد.
 زیان (LOSS): متغیر موهومی است که اگر شرکت در سال جاری، سال قبل و یا در دو سال قبل زیان داشته باشد عدد یک و در غیر این صورت صفر می‌باشد.
 ارزش بازار به ارزش دفتری (MTB): برابر با نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام می‌باشد.
 اهرم مالی (LEV): برابر با نسبت مجموع بدهی‌ها به مجموع دارایی‌های شرکت می‌باشد.
 انحراف معیار بازده (RETVOL): برابر با انحراف معیار ۳ ساله بازده سالانه شرکت می‌باشد.

جامعه آماری و نحوه انتخاب شرکت‌ها

جامعه آماری مورد مطالعه این تحقیق، کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بین سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ است. برای انتخاب نمونه، از بین کلیه شرکت‌های موجود، شرکت‌هایی که واجد هر یک از شرایط زیر نبوده‌اند، حذف شده و در نهایت شرکت‌های باقی مانده برای انجام آزمون انتخاب شده‌اند:

- ۱- به منظور همگن شدن نمونه آماری در سال‌های مورد بررسی، شرکت‌ها پیش از سال ۱۳۸۵ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند.
 - ۲- به لحاظ افزایش قابلیت مقایسه، دوره مالی شرکت‌ها منتهی به پایان اسفند ماه باشد.
 - ۳- نمونه آماری شامل شرکت‌های واسطه‌گری مالی، سرمایه‌گذاری، لیزینگ، بانک‌ها و شرکت‌های بیمه نمی‌شود.
 - ۴- شرکت‌ها طی قلمرو زمانی این تحقیق تغییر فعالیت یا تغییر دوره مالی نداده باشند.
 - ۵- داده‌های مورد نظر شرکت‌ها در دسترس باشد.
- در نهایت شرکت‌های مورد بررسی در این تحقیق، شامل ۷۲ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بوده است.

□ یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

برای ارائه یک نمای کلی از خصوصیات مهم متغیرهای محاسبه شده، در جدول زیر برخی از آمارهای توصیفی این متغیرها، شامل میانگین، میانه، انحراف معیار، حداقل و اکثر مشاهدات ارائه شده است.

جدول (۱): آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیرها	میانگین	میانه	انحراف معیار	حداکثر	حداقل
حق الزحمه حسابرسی	۱۹/۵۷۰۹	۱۹/۴۴۳۱	۰/۶۸۶۷	۲۱/۸۲۰۵	۱۶/۸۱۱۲
اعتماد به نفس بیش از اندازه	-/۰۱۳۱	۰/۰۰۷۶	۰/۰۱۹۲	۰/۱۶۴۱	-/۰۰۷۵۱
کیفیت گزارشگری مالی	۰/۳۹۴۴	۰/۳۷۱۹	۰/۱۷۹۷	۰/۸۹۷۸	۰/۰۰۵۱
اندازه شرکت	۵/۸۵۸۶	۵/۷۹۵۰	۰/۶۱۲۳	۸/۵۲۰۰	۴/۲۴۶۴
نسبت جاری	۰/۶۱۴۳	۰/۶۵۱۰	۰/۲۱۱۹	۰/۹۵۰۰	۰/۰۶۷۰
بازده دارایی‌ها	-/۱۳۷۶	۰/۰۵۷۳	۰/۲۱۷۶	۱/۱۸۵۴	-/۰۴۰۳۲
زبان شرکت	-/۰۸۷۴	۰/۰۰۰۰	۰/۲۸۲۷	۱/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰
ارزش بازار به دفتری	۱/۱۶۴۱	۱/۱۲۰۹	۰/۱۵۶۶	۱/۹۲۷۱	۰/۴۷۰۴
اهرم مالی	۰/۶۴۲۷	۰/۶۵۸۹	۰/۲۰۱۲	۱/۸۲۴۴	۰/۰۹۶۴
نوسان بازده	۰/۳۸۹۵	۰/۳۳۵۰	۰/۲۴۱۱	۰/۹۷۷۴	۰/۰۱۲۰

میانگین حق الزحمه حسابرسی برآوردی برابر با $۱۹/۵۷۰۹$ است میانگین کیفیت گزارشگری مالی برابر با $۰/۳۹۴۴$ است که بیانگر نوسان بالای جریانات نقدی مورد استفاده توسط شرکت‌های مورد مطالعه است. میانگین متغیر اعتماد به نفس بیش از اندازه برابر با $۰/۱۳۱$ بوده که نشان دهنده بکارگیری محدود مدیران با اعتماد به نفس بیش از اندازه است. ارزش میانگین اندازه شرکت $۵/۸۵۸۶$ و نسبت جاری $۰/۶۱۴۳$ می‌باشد. به عبارتی، بخش عمده‌ای از دارایی‌های شرکت‌ها جاری می‌باشند که بیانگر بالاتر بودن سرمایه‌گذاری کوتاه مدت است. میانگین اهرم مالی و نوسان بازده به ترتیب برابر با $۰/۶۴۲۷$ و $۰/۳۸۹۵$ می‌باشد که نشان می‌دهد بخش عمده‌ای از مصارف شرکت از محل بدهی‌ها تأمین مالی شده است. ارزش میانگین بازده دارایی و زیان شرکت به ترتیب برابر با $۰/۱۳۷۶$ و $۰/۰۸۷۴$ است که بیانگر ایجاد $۰/۱۳$ بدهی به ازای هر ریال سرمایه‌گذاری در دارایی‌ها می‌باشد. ارزش میانگین $۱/۱۶۴۱$ برای نسبت ارزش بازار به دفتری نشان دهنده فرصت‌های رشد برای شرکت‌ها مورد مطالعه است. با مقایسه میانگین و میانه متغیرها می‌توان گفت که ارزش همه میانگین‌ها به استثنای نسبت جاری، بزرگ‌تر از میانه‌ها می‌باشد که نشان دهنده انحراف منطقی در توزیع هر متغیر می‌باشد (ژو، ونگ و هان، ۲۰۱۳). با بررسی انحراف معیار داده‌ها می‌توان اظهار داشت که داده‌های مربوط به متغیرهای مستقل و وابسته از توزیع نرمال برخوردار هستند. و اوس (۲۰۰۲) عنوان می‌کند که زمانی که تعداد مشاهدات بزرگ‌تر از ۱۰۰ باشد (معیاری تقریبی برای توزیع نرمال) احتمال نرمال بودن داده‌ها افزایش می‌یابد.

□ آمار استنباطی

قبل از برازش مدل‌ها لازم است تا آزمون F لیمر به منظور بررسی استفاده از روش داده‌های تابلویی با اثرات ثابت در مقابل روش داده‌های ترکیبی برای مدل بالا انجام شود. نتایج حاصل از آزمون F لیمر برای مدل تحقیق در جدول شماره (۲) نشان داده شده است.

جدول ۲: نتایج آزمون F لیمر برای مدل‌های تحقیق

مدل تحقیق	آماره	سطح خطا	روش پذیرفته شده
مدل ۲	۵/۵۴۷۱	۰/۰۰۰۰	مدل اثرات ثابت

با توجه به آماره و سطح خطای آزمون F لیمر و رد فرضیه H_0 برای مدل تحقیق، لازم است برای انتخاب از بین مدل داده‌های تابلویی با اثرات ثابت یا داده‌های تابلویی با اثرات تصادفی، آزمون هاسمن نیز انجام شود. نتایج مربوط به آزمون هاسمن نیز در جدول (۳) نشان داده شده است.

جدول ۳: نتایج آزمون هاسمن برای مدل‌های تحقیق

مدل تحقیق	آماره	سطح خطا	روش پذیرفته شده
مدل ۲	۱۲/۹۶۹۲	۰/۱۶۴۰	مدل اثرات تصادفی

همانطور که در جدول (۳) قابل مشاهده است، نتایج حاکی از رد نشدن فرضیه H_0 برای مدل تحقیق بوده، در نتیجه مدل داده‌های تابلویی با اثرات تصادفی ارجح است. بنابراین، برای تخمین مدل تحقیق از روش داده‌های تابلویی با اثرات تصادفی استفاده شده است.

در پژوهش حاضر، از آزمون دوربین-واتسون جهت تشخیص خود همبستگی مدل استفاده شده است. اگر مقدار آماره دوربین-واتسون نزدیک به عدد ۲ باشد، استقلال جمله خطای مدل می‌تواند پذیرفته شود. علاوه بر این، از آزمون فیشر جهت بررسی معناداری کل مدل استفاده شده است. جدول (۴) نتایج حاصل از برآورد مدل‌های تحقیق را نشان می‌دهد.

جدول ۴: نتایج حاصل از برآورد مدل تحقیق

متغیر	ضریب	آماره t	سطح خطا
کیفیت گزارشگری مالی	-۰/۳۶۱۴	-۱/۸۸۷۶	۰/۰۵۹۴
اعتماد به نفس بیش از اندازه	۲/۳۸۵۸	۲/۰۹۹۵	۰/۰۳۶۱
نسبت جاری	-۰/۱۴۱۰	-۱/۱۴۶۷	۰/۲۵۱۸
اهرم مالی	۰/۳۸۰۲	۳/۲۴۶۲	۰/۰۰۱۲
زبان شرکت	۰/۰۵۳۰	۱/۰۰۵۵	۰/۳۱۴۹
اندازه شرکت	-۰/۱۳۲۵	-۳/۵۲۲۹	۰/۰۰۰۴
ارزش بازار به دفتری	-۰/۰۱۰۷	-۰/۰۸۷۶	۰/۹۳۰۱
بازده دارایی‌ها	۰/۱۴۳۹	۰/۹۷۹۵	۰/۳۲۷۶
نوسان بازده	۰/۱۵۷۹	۲/۰۸۸۰	۰/۰۳۷۱
جز ثابت	۰/۵۳۳۲	۲/۲۰۶۴	۰/۰۲۷۶
ضریب تعیین		۰/۳۲۶۸	
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۲۱۶۸	
آماره دوربین-واتسون		۱/۷۹۸۶	
آماره F		۵/۱۲۱۷	
احتمال آماره F		۰/۰۰۰۰	

بر اساس مدل (۲)، فرضیه اول تحقیق مبنی بر این که اعتماد به نفس بیش از اندازه مدیران به صورت معناداری منجر به تغییر حق الزحمه‌های حسابرسی می‌شود، با توجه به اینکه کوچک‌تر از ۵ درصد می‌باشد رد نشده است.

فرضیه دوم تحقیق مبنی بر این که کیفیت گزارشگری مالی به صورت معناداری منجر به تغییر حق الزحمه‌های حسابرسی می‌شود، رد نشده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود و بر اساس جدول ۴ آماره t برابر ۱/۸۸۷۶- است که بیانگر تأیید شدن فرضیه دوم در سطح خطای ۱۰ درصد می‌باشد.

بر اساس نتایج تخمین مدل‌ها، می‌توان نتیجه گرفت که مدل‌های تحقیق معنادار است. در نتیجه، در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار بودن مدل پذیرفته می‌شود. همچنین، با توجه به مقدار آماره دوربین- واتسون می‌توان نتیجه گرفت که مدل‌های پژوهش مشکل خود همبستگی ندارد. برای آزمون فرضیه سوم شرکت‌ها به پنج کوانتیل بر اساس شاخص کیفیت گزارشگری مالی دسته بندی می‌شوند. سپس شرکت‌ها بر اساس شاخص اعتماد به نفس به پنج کوانتیل دسته‌بندی شده‌اند. نتایج حاصل از هر یک از این کوانتیل‌ها به شرح زیر می‌باشد:

جدول ۵: پرتفوی کیفیت گزارشگری مالی

پرتفوی تعاملی اعتماد به نفس بیش از اندازه و کیفیت گزارشگری مالی		
بیش اطمینانی (Q۱-Q۵)		
-۰/۰۰۲۱ *۳/۳۴۵۶	پنجک اول (بالا ترین کیفیت)	پنجک‌های کیفیت گزارشگری مالی
۰/۰۳۰۲ **۲/۵۶۵۳	پنجک دوم	
۰/۱۵۴۳ **۲/۱۱۰۸	پنجک سوم	
۰/۱۱۲۷ *۳/۷۶۲۰	پنجک چهارم	
۰/۲۶۹۴ *۳/۴۵۱۵	پنجک پنجم (پایین ترین کیفیت)	
*** ** * ۰ ۱ ۵ و ۱۰ درصد می‌باشند.		

با توجه به جدول بالا نیز می‌توان ابراز داشت با کاهش کیفیت گزارشگری مالی، ضریب اعتماد به نفس نیز افزایش یافته است به نحوی که در پنجک اول (کیفیت گزارشگری مالی بالاتر) ضریب مربوطه حداقل می‌باشد. به عبارتی، افزایش کیفیت گزارشگری مالی ضعف ناشی از اعتماد به نفس مدیران را پوشش می‌دهد. نتایج حاصل از مدل حق الزحمه حسابرسی مربوط به این فرضیه نیز به شرح زیر می‌باشد:

جدول ۶: پرتفوی حق الزحمه حسابرسی

اعتماد به نفس						متغیر	پنجک	کیفیت گزارشگری مالی
تغییرات		Q۵		Q۱				
آماره t	ضرب	آماره t	ضرب	آماره t	ضرب			
۲/۳۷۱۶***	۰/۱۲۷۳	۲/۹۸۲۴*	۰/۲۹۵۵	۱/۱۸۱۵	۰/۱۶۰۲	جز ثابت		
	۰/۳۷۷۵		۰/۳۶۵۴		۰/۴۱۷۲	ضرب تعیین	Q۱	
	۰/۰۰۲۷		۰/۰۰۱۳		۰/۰۰۲۰	احتمال آماره F		
۱/۶۷۴۵	۰/۰۳۱۱	۲/۱۵۹۰***	۰/۱۰۸۶	۲/۳۴۰۹***	۰/۱۵۳۸	جز ثابت		
	۰/۴۹۰۶		۰/۴۷۱۶		۰/۵۱۲۰	ضرب تعیین	Q۵	
	۰/۰۰۴۴		۰/۰۱۲۹		۰/۰۰۱۷	احتمال آماره F		

***،**،* به ترتیب بیانگر معناداری در سطح خطای ۱، ۵ و ۱۰ درصد می‌باشند.

متغیر مورد نظر در فرضیه سوم، جزء ثابت است. به نحوی که اگر به طور معناداری بیشتر از صفر باشد، شرکت‌های با مدیران دارای اعتماد به نفس بالا، حق الزحمه بیشتری را نسبت به شرکت‌های با مدیران دارای اعتماد به نفس پایین پرداخت خواهند کرد. با توجه به جدول فوق و نیز براساس کوانتیل‌های اول و آخر و مقایسه آن‌ها می‌توان ابراز داشت که فرضیه سوم تحقیق با استفاده از معیار اعتماد به نفس و معیار کیفیت گزارشگری مالی تأیید شده است.

□ نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در این تحقیق، نقش کیفیت گزارشگری مالی در تغییر اثر تعاملی بین اعتماد به نفس بیش از اندازه مدیران و حق الزحمه حسابرسی، مورد مطالعه قرار گرفته است. فرضیه اول تحقیق رد نشده است. نتایج حاصل از این فرضیه مشابه نتایج تحقیق والف و هرمنسون (۲۰۰۴) و بویل، دیزورت و هرمنسون (۲۰۱۵) می‌باشد. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که اعتماد به نفس بیش از اندازه و رفتار مدیریت تابعی از خصوصیات انتزاعی و فکری است که منجر به شناسایی فرصت‌های تقلب و ضعف‌های کنترل داخلی می‌شود و به صورت گسترده‌ای از اقلام تعهدی برای دستیابی به منافع شخصی خود استفاده می‌کنند به نحوی که ریسک حسابرسی عدم کشف بالا رفته و حساب‌رسان به منظور پوشش ریسک و دستیابی به حداقل صرف مربوطه، حق الزحمه حسابرسی را افزایش می‌دهند. نتایج حاصل از بررسی فرضیه دوم تحقیق نشان می‌دهد که تغییرات ایجاد شده در حق الزحمه حسابرسی تابعی از کیفیت گزارشگری مالی است. نتایج حاصل از این فرضیه با تحقیقات گال و همکاران (۲۰۱۸) تطابق دارد. در شرایط ارائه اطلاعات با کیفیت بالا، میزان دستکاری اطلاعات مالی کاهش یافته و از اقلام تعهدی و برآوردها به میزان کمتری بهره گرفته می‌شوند به نحوی که پیامدهای مالی دارای حداقل فاصله از انتظارات فعالان بازار است. در این شرایط ریسک حسابرسی

و متعاقباً حق الزحمه حسابداری کاهش خواهد یافت.

در ارتباط با فرضیه سوم تحقیق، کیفیت گزارشگری مالی منجر به تفاوت در حق الزحمه حسابداری بین شرکت‌های دارای مدیران با اعتماد به نفس بالا و شرکت‌های دارای مدیران با اعتماد به نفس پایین می‌شود. کیفیت گزارشگری مالی بالا ابهام کلی را کاهش می‌دهد و بنابراین نفعی که سرمایه‌گذاران مشخصی از کسب اطلاعات خصوصی درباره شرکت بدست می‌آورند، کاهش می‌یابد. در حالت کیفیت گزارشگری مالی نسبتاً کامل، ریسک حسابداری ناشی از عدم ارائه اطلاعات کامل و وجود ناقصی اطلاعاتی در یک شرکت ناچیز و قابل چشم‌پوشی است. با این حال، در وضعیت کیفیت گزارشگری مالی ضعیف، این اثر می‌تواند معنادار و قابل اندازه‌گیری باشد، بویژه برای مواردی که مستلزم ریسک منحصر به فرد شرکت و نه عوامل در سطح بازار است. نتایج حاصل از این سؤال با تحقیقات ورچیا (۲۰۰۱) همخوانی دارد.

□ پیشنهادات کاربردی

اعتماد به نفس بیش از اندازه و رفتار مدیریت تابعی از خصوصیات انتزاعی و فکری است که شناسایی آن با مشکلات و پیچیدگی‌های خاصی همراه خواهد بود. مدیران با اعتماد به نفس بیش از اندازه تمایل به دستکاری رو به بالا سود دارند تا از این طریق بتوانند شرایط دریافت تسهیلات را بهبود بخشیده و یا مانع از حال شدن بدهی‌های قراردادی شوند. از طرفی، به منظور نگهداشت سهامداران کلیدی و ممانعت از کاهش رتبه اعتباری شرکت، اقدام به دستکاری برخی از رویه‌ها و رویکردهای مالی می‌کنند. به عبارتی، در این شرایط مدیران به منظور دستیابی به طرح‌های انگیزشی، اخبار بد ناشی از کمبود منابع مالی را به دوره‌های آتی منتقل نموده و با توجه به خوش بینی بالای خود، انتظار به اصلاح و بهبود شرایط در دوره‌های بعدی دارند. در این حالت، شناسایی اقدام تعهدی و اخبار بد منتقل شده به دوره‌های آتی نیازمند تلاش بیشتر و سرپرستی تخصصی تر حسابداری است. به نحوی که ریسک حسابداری عدم کشف با توجه به رویکرد رفتاری مدیریت بالا رفته و حساب‌رسان به منظور پوشش ریسک و دستیابی به حداقل صرف مربوطه، حق الزحمه حسابداری را افزایش می‌دهند. در این راستا و با توجه به نتایج پژوهش می‌توان با اتخاذ رویکردهای محدود کننده اعتماد به نفس بیش از اندازه مدیران (از جمله محافظه‌کاری) خوش بینی مدیران را از طریق انتقال سریع تر اخبار بد به سهامداران (جهت انجام اقدامات اصلاحی) کنترل نمود.

منابع

- ۱- حساس یگانه؛ حسنی القار، م. و مرفوع، م. (۱۳۹۴). بیش اطمینانی مدیریت و حق الزحمه حسابداری. فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابداری، ۲۲(۳)، ۳۶۲-۳۸۴.
- ۲- حسنی القار، مسعود، رحیمیان، نظام‌الدین. (۱۳۹۷). بررسی تأثیر بیش اطمینانی مدیریت در ساختار سررسید بدهی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. مدیریت دارایی و تأمین مالی، ۱۶(۱)، ۸۹-۱۰۶.
- ۳- خدادادی، ولی، ویسی، سجاد، چراغی نیا، علی. (۱۳۹۶). بررسی رابطه بین تمرکز مشتری و حق‌الزحمه حسابداری. دانش حسابداری مالی، ۴(۱)، ۴۵-۶۰.
- ۴- خدادادی، و. و حاجی‌زاده، س. (۱۳۹۰). تئوری نمایندگی و حق‌الزحمه حسابداری مستقل: آزمون فرضیه جریان نقد آزاد، دانش حسابداری مالی، ۱(۲)، صفحات ۹۲-۷۶.
- ۵- داروغه حضرتی، فاطمه، پهلوان، زهرا. (۱۳۹۱). رابطه بین کیفیت گزارش حسابداری و حق‌الزحمه حسابداری در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. حسابداری مدیریت، ۵(شماره ۳ (پیاپی ۱۴))، ۱۳-۲۴.
- ۶- سجادی، س. و زارعی، ر. (۱۳۸۶). تأثیر ویژگی‌های موسسه حسابداری و صاحبکار بر حق‌الزحمه حسابداری، بررسی‌های حسابداری و حسابداری، شماره ۴۹.
- ۷- مهربان پور، محمدرضا، جندقی قمی، محمد، رجب بیگی، محمدعلی. (۱۳۹۷). سرمایه اجتماعی و حق‌الزحمه حسابداری. فصلنامه علمی-پژوهشی بررسی‌های حسابداری و حسابداری، ۲۵(۲)، ۲۶۹-۲۸۸.
- ۸- نصیرزاده، ف.؛ عباس‌زاده، م. و ذوالفقارآرانی، م. (۱۳۹۶). بررسی تأثیر خوش بینی مدیران و عدم تقارن اطلاعاتی ناشی از آن بر روی ریسک سقوط قیمت سهام. فصلنامه حسابداری مالی، دوره ۹ (۳۴)، ۷۰-۳۵.
- ۹- نیکبخت، م. و تنانی، م. (۱۳۸۹). آزمون عوامل مؤثر بر حق‌الزحمه حسابداری صورت‌های مالی، پژوهش‌های حسابداری مالی، ۲(۴)، صص ۱۱۱-۱۳۲.
- ۱۰- واعظ، س.؛ رمضان احمدی، م.؛ رشیدی باغی، م. (۱۳۹۲). تأثیر کیفیت حسابداری بر حق‌الزحمه حسابداری شرکت‌های بورسی، مجله دانش حسابداری مالی، ۳(۱)، صص ۹۲-۱۱۴.

1. Armstrong, C., J. Core, D. Taylor, and R. Verrecchia. (2011). When does information asymmetry affect the cost of capital? *Journal of Accounting Research* 49 (1): 1-40.
2. Asthana, Sharad C and Boone, Jeff P. (2012), Abnormal Audit Fee and Audit Quality. *AUDITING: A Journal of Practice & Theory*: 2012, 31 (3), pp. 1-22.
3. Beasley, M. S., J. V. Carcello, D. R. Hermanson, and T. Neal. 2010. *Fraudulent Financial Reporting 1998–2007: An Analysis of U.S. Public*

Companies. Durham, NC: COSO.

4. Ben Ali, C. & Lesage, C. (2012). Audit pricing and nature of controlling shareholders: Evidence from France, *China Journal of Accounting Research*, 6 (1): 21–34.

5. Ben-David, I., J. R. Graham, and C. R. Harvey. 2013. Managerial miscalibration. *The Quarterly Journal of Economics* 128 (4): 1547–1584.

6. Bolton, P., M. K. Brunnermeier, and L. Veldkamp. 2013. Leadership, coordination, and corporate culture. *Review of Economics Studies* 80 (2): 512–537.

7. Bonsall, S., Holzman, E, R & Miller, B, P. (2016). Managerial Ability and Credit Risk Assessment, *Management Science*.

8. Bruynseels, L., W. R. Knechel, and M. Willekens. 2011. Auditor differentiation, mitigating management actions, and audit-reporting accuracy for distressed firms. *Auditing: A Journal of Practice & Theory* 30 (1): 1–20. doi:10.2308/aud.2011.30.1.1

9. Casterella, J., J. Francis, B. Lewis and P. Walker. (2004). Auditor industry specialization, client bargaining power, and audit pricing. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 23 (1): 123-140.

10. Causholli, M., De Martinis, M., Hay, D., & Knechel, W. R. (2010). Audit Markets, Fees and Production: Towards an Integrated View of Empirical Audit Research. *Journal of Accounting Literature*, 29, 167-215.

11. Charl de Villiers, David Hayb, Zhizi (Janice) Zhang. (2014). Audit fee stickiness, Electronic copy available at: <http://ssrn.com/abstract=1771045>.

12. Choi, J. H., Kim, C. F., Kim, J. B., Zang, Y. S. (2010). Audit office size, Audit quality and Audit pricing. *Auditing: A Journal of practice & theory*, 29 (1), 73-97.

13. Craswell A., Francis, J., & Taylor, S. (1995). Auditor brand name reputation and industry specialization. *Journal of Accounting and Economics*, 20, 297-322.

14. Demerjian, P., B. Lev, M. Lewis, and S. McVay. 2013. Managerial ability and earnings quality. *The Accounting Review* 88 (2): 463–498. doi:10.2308/accr-50318

15. Demerjian, P., Lev, B. & McVay, S. (2012). Quantifying managerial ability: A new measure and validity tests. *Management Science*, 58(7): 1229-1248.

16. Dichev, I. D., & Tang, V. W. (2009). Earnings volatility and earnings predictability. *Journal of Accounting and Economics*, 47 (1), 160-181.
17. Easley, D., and M. O'Hara. (2004). Information and the cost of capital. *Journal of Finance* 59 (4):1553-1583.
18. Efendi, J., A. Srivastava, and E. Swanson. 2007. Why do corporate managers misstate financial statements? The role of option compensation and other factors. *Journal of Financial Economics* 85 (3): 667-708. doi:10.1016/j.jfineco.2006.05.009
19. Englmaier, F. 2011. Commitment in R&D tournaments via strategic delegation to overoptimistic managers. *Managerial and Decision Economics* 32 (1): 63-69.
20. Ericson, R., and A. Pakes. 1995. Markov-perfect industry dynamics: A framework for empirical work. *The Review of Economic Studies* 62 (1): 53-82.
21. European Commission. (2010). Green paper: Audit policy: Lessons from the crisis. Brussels: European Commission.
22. Ferguson, A., Lennox, C. & Taylor, S. (2005). Audit Fee Rigidities in the Presence of Market Frictions: Evidence and Explanations. Working paper, University of New South Wales.
23. Frank, D., and T. Obloj. 2014. Firm-specific human capital, organizational incentives and agency costs: Evidence from retail banking. *Strategic Management Journal* 35 (9): 1279-1301. doi:10.1002/smj.2148
24. Ge, W., D. Matsumoto, and J. Zhang. 2011. Do CFOs have style? An empirical investigation of the effect of individual CFOs on accounting practices. *Contemporary Accounting Research* 28 (4): 1141-1179.
25. Gul, Ferdinand A., Mehdi Khedmati, Edwin KiaYang Lim, and Farshid Navissi. (2018). Managerial Ability, Financial Distress, and Audit Fees. *Accounting Horizons: Vol. 32, No. 1, pp. 29-51.*
26. Hirshleifer, D., A. Low, and H. Teoh. 2012. Are overconfident CEOs better innovators? *The Journal of Finance* 67 (4): 1457-1498.
27. Hoitash, Rani, Markelevich, Ariel J and Barragato, Charles A. (2007). Auditor Fees and Audit Quality. *Managerial Auditing Journal*, 22(8).
28. Kaplan, S. N., and L. Zingales. 1997. Do investment-cash flow sensitivities provide useful measures of financing constraints? *Quarterly Journal of*

- Economics 112 (1): 169–215.
- 29.Koussis, N., S. H. Martzoukos, and L. Trigeorgis. 2007. Real R&D options with time-to-learn and learning-by-doing. *Annals of Operations Research* 151 (1): 29–55.
- 30.Krishnan, G., and C. Wang. 2015. The relation between managerial ability and audit fees and going concern opinions. *Auditing: A Journal of Practice & Theory* 34 (3): 139–160. doi:10.2308/ajpt-50985
- 31.Lee, C. Y. 2010. A theory of firm growth: Learning capability, knowledge threshold, and patterns of growth. *Research Policy* 39 (2): 278–289.
- 32.Madsen, P. and V. Desai. 2010. Failing to learn? The effects of failure and success on organizational learning in the global orbital launch vehicle industry. *Academy of Management Journal* 53 (3): 451–476.
- 33.March, J. G. 1991. Exploration and exploitation in organizational learning. *Organization Science* 2 (1): 71–87.
- 34.March, J. G., and Z. Shapira. 1987. Managerial perspectives on risk and risk taking. *Management Science* 33 (11): 1404–1418.
- 35.Menon, K., & Williams, D. D. (2001). Long-term trends in audit fees. *Auditing: A Journal of Practice and Theory*, 20(1), 115-136.
- 36.Moore, D. A., and P. J. Healy. 2008. The trouble with overconfidence. *Psychological Review* 115 (2): 502–517.
- 37.Purnanandam, A. 2008. Financial distress and corporate risk management: Theory and evidence. *Journal of Financial Economics* 87 (3): 706–739. doi:10.1016/j.jfineco.2007.04.003
- 38.Shapiro, C. (1983). Premiums for high quality products as returns to reputations, *Quarterly Journal of Economics*, 97, 659-679.
- 39.Simunic, D. (1980). the pricing of audit services: theory and evidence, *Journal of Accounting Research*.18,161-19.
- 40.Van den Steen, E. 2005. Organizational beliefs and managerial vision. *Journal of Law, Economics, and Organization* 21 (1): 256–283.
- 41.Vaus, D. (2002). *Analyzing social science data* (1st Ed.). London: SAGE Publications Ltd.
- 42.Wang, G. 2013. *Managerial Ability and Informed Insider Trading*. Working paper, Indiana University.
- 43.Wolfe, D. T., and D. R. Hermanson. 2004. The fraud diamond: Considering

the four elements of fraud. The CPA Journal 74 (12): 38–42.

44. Xiaodong XU, Xia Wang, Nina Han. (2013). Accounting Conservatism, Ultimate Ownership and Investment Efficiency, Electronic copy available at: <http://ssrn.com/abstract=2103957>.

